



الْقِتْلَةُ حَسْبُنَا وَفَلَوْ بَدَّلْنَا بِهَا

سریر
سال اول، شماره دوم، مهر ماه ۹۸
ماهنامه دانشجویی
S A R E E R



اربعین و نوای کاروان

جدیدالورودی ها بخوانند

چالش های آموزشی در مصاحبه با دکتر منفردی

معرفی کتاب قصه دلبری

سیاست ریای دو قطبی

فهرست

سخن سردبیر صفحه ۱

بررسی چالش های آموزشی دانشگاه صفحه ۲

خوراک رمان خورها صفحه ۳

اربعین و نوای کاروان صفحه ۴

زنگ انشاء صفحه ۵

سیاست ربای دوقطبی صفحه ۶ و ۷

جدیدالورودها بخوانند صفحه ۸

دانشگاه فرهنگیان از خودش می گوید صفحه ۹

فضانورد مجازی صفحه ۱۰

ویژگی های معلمان قرن ۲۱ صفحه ۱۱

شیطان پرستی صفحه ۱۲

دانستنی های بدن انسان صفحه ۱۳

سردبیر : @seyedm-sm

کانال بسیج پردیس امام محمد باقر (ع) :

@basiij_DFB

کانال بسیج پردیس امام جعفر صادق (ع) :

@basiijdfb

ارتباطی:
راه های





بسیار خرسندیم از اینکه در کنف الطاف خاصه الهی و با همت و تلاش های صورت گرفته توسط جمعی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، این بار در سرآغاز فصلی نو از تعلیم و تربیت همگام لحظه های نابتان هستیم. سرآغازی که با ورود دانشجویان جدیدالورود به دانشگاه و در ادامه با حماسه اربعین حسینی همزمان شده است. بدون شک راهپیمایی عظیم اربعین و حرکت خیل مشتاقان سیدالشهداء (ع) از جای جای عالم هستی با ملیت ها و فرهنگ های گوناگون، حماسه ای استثنایی و مقدمه یک تحول عظیم جهانی است. استفاده حداکثری از این ظرفیت بی بدیل و خودجوش یکی از رسالت های دانشجویان است. در پایان سخن، ضمن تبریک به نودانشجویان عزیز که به تازگی در کسوت شریف معلمی مشغول به کار شده اند، برای تک تک این عزیزان به نمایندگی از تمام همکارانم در نشریه صریح آرزوی روز های شاد و توام با موفقیت می کنم و از تمامی دانشجویان علاقمند برای پیوستن به تیم صریح صمیمانه دعوت به عمل می آورم. منتظریم نظرات و پیشنهادات خود را در خصوص این شماره و شماره های بعدی با ما در میان بگذارید.



سردبیر نشریه صریح



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

مدیر مسئول: حامد رحیمی

سردبیر: سید محمد موسوی

مدیر هنری: سجاد اسعدی

هیات تحریریه: ولی اله محمودیان، وحید حسینی، پریسا ارگی، فاطمه رحیمی

سید سجاد موسوی، هادی الهی، زهرا عامری، فاطمه گرمه ای، فاطمه رحمانی، حامد رحیمی

سید محمد موسوی و سجاد اسعدی

SAREER

سناسنامه...



گفتگو با دکتر منفردی معاونت آموزشی دانشگاه



نمی‌توانند بالاتر از آن سقف واحد درسی داشته باشند مثلاً در کارشناسی پیوسته سقف تعیین شده شش واحد و هشت ساعت درسی است. چون بعضی از درس‌های شما عملی هستند مثل کاربرد فناوری ممکن است در طول یک روز هشت ساعت شما را بپر کنند و شما نتوانید واحد دیگری را در آن روز بگذرانید. همچنین فشردگی کلاس‌ها کیفیت را پایین می‌آورد. درست است که فشردگی کلاس‌ها و گذراندن واحدها در تعداد روز کمتر خواسته دانشجویان است اما این موضوع باعث پایین آمدن کیفیت می‌شود و اگر فضا و امکانات بیشتر شود ممکن است دانشجویان در روزهای بیشتری واحدهای درسی خود را بگذرانند.

آقای دکتر خیلی ممنونم از اینکه وقتان را در اختیار ما قرار دادید بنده هم تشکر میکنم از شما. دغدغه‌ها و سوالات خوبی را مطرح کردید و سوالات اساسی بودند. از شما خواهش میکنم با توجه به اینکه در بطن دانشجویان هستید و مشکلات آن‌ها را بهتر درک می‌کنید، مسائل آن‌ها را مدام به ما منعکس کنید. بعضاً ممکن است مسئله‌ای وجود داشته باشد که ما فراموش کرده‌ایم. این مشورت مشابه عنوان مشاوران جوان مخصوصاً با رویکرد بسیجی و فرهنگی می‌تواند به ما کمک کند. فراموش کرده‌ایم این مشورت مشابه عنوان مشاوران جوان مخصوصاً با رویکرد بسیجی و فرهنگی می‌تواند به ما کمک کند

در زمان امتحانات بعضی از اساتید با تاخیر زیادی نمره‌ها را وارد می‌کنند، آیا زمان مشخصی برای ثبت نمرات وجود ندارد؟
طبق آیین‌نامه‌ها بعد از به پایان رسیدن امتحان یک هفته الی ده روز به استاد فرصت داده می‌شود تا نمرات را ثبت کند. بعد از گذشت ده روز استاد نمی‌تواند نمره‌ای را ثبت کند مگر با هماهنگی آموزش اکثر اساتید این بازه زمانی را رعایت می‌کنند و گاهی ممکن است مشکلی برای استاد به وجود آید و نتواند نمره را ثبت کند اما با این حال اگر دانشجویان موردی را مطرح کنند پیگیری میکنیم. **یکی از مشکلات اساسی دانشجویان انتخاب واحد است که با بی نظمی فراوانی همراه است. میخواستم بدانم دلیل تغییر زمان کلاس‌ها و اساتید و همچنین گروه‌بندی دروس و پافشاری بر این موضوع که هر دانشجو باید درس‌هایش را با یک گروه بردارد چیست؟**
ما خودمان هم آگاه هستیم که این بی‌نظمی‌ها چه مشکلاتی برای دانشجویان به وجود می‌آورد و تفکر ما هم آزادی دانشجویان در انتخاب استاد و زمان درس است اما شرایط خاص دانشگاه فرهنگیان این اجازه را به ما نمی‌دهد. یکی از این شرایط کمبود فضا است که در مورد کلاس‌ها و خوابگاه‌ها با آن مواجه هستیم. ما در مجموع یک ساختمان آموزش و چند کلاس داریم با ۷۰۰ نفر دانشجو که این موضوع کار ما را مشکل می‌کند. در بحث تغییر زمان کلاس‌ها و اساتید هم بخشی مربوط به خطاهای کارشناسی است و بخشی مربوط به خطاهای علمی. به عنوان مثال آن‌ا که اوج کار انتخاب واحد ماست و ما باید درس‌ها را در سامانه برای دانشجویان بگذاریم همزمان ۷۰۰ نفر دانشجو باید مصاحبه شوند از طرفی اساتید ما هم تمام وقت در اختیار ما نیستند. تعداد اساتید هیئت علمی ما پایین است و اغلب اساتید ما از خارج دانشگاه جذب شده‌اند و ما باید برنامه‌های درسی را متناسب با زمان آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم که این موضوع باعث به وجود آمدن بی‌نظمی و تداخل در کلاس‌ها می‌شود. به هر حال بنده به مدیر گروه و کارشناس‌های آموزش تاکید می‌کنم که این مشکلات برای ترم‌های آینده رفع شود.

چرا با وجود اینکه می‌توان واحدهای درسی را در سه یا چهار روز هفته گذراند این واحدها در تمام روزهای هفته بخش شده‌اند و دانشجویان باید در اکثر روزهای هفته در دانشگاه حضور داشته باشند؟
در رابطه با این موضوع یک سری شیوه‌نامه‌هایی وجود دارد که سقفی را برای دانشجویان مشخص می‌کند و دانشجویان در طول یک روز

آقای دکتر چرا بعضی از اساتید با وجود اینکه در نظر سنجی پایان ترم نمره خوبی کسب نمی‌کنند اما دوباره در ترم بعد تدریس می‌کنند؟
در ارزشیابی اساتید شاخص‌های مختلفی لحاظ می‌شود که اصطلاحاً به آن ارزشیابی ۳۶۰ درجه گفته می‌شود. بخش مهمی از این ارزشیابی توسط دانشجو معلمان صورت می‌گیرد اما بخش‌های دیگری نیز وجود دارد که توسط مدیر گروه و مسئولین آموزش انجام می‌شود و در واقع تنها یک شاخص دیدگاه دانشجو معلمان است که بررسی می‌شود. تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان پایین است به همین دلیل اساتیدی از خارج دانشگاه با ما همکاری می‌کنند که تعدادشان بیش از ۱۰۰ نفر است. در بعضی از دروس ما اصلاً استاد نداریم از طرفی کف مدرکی که استاد برای حضور در دانشگاه باید داشته باشد کارشناسی ارشد است که این مدرک برای برخی دروس حتماً باید دانشجوی دکتری باشد. مثلاً در یک رشته‌ای ممکن است در کل یک یا دو نفر دانشجوی دکتری باشند، در این صورت با فرض اینکه در ارزشیابی نمره‌ای ضعیفی هم گرفته باشند ما نمی‌توانیم آن‌ها را عوض کنیم چون عملاً استاد دیگری برای آن رشته نداریم. اما با این حال اگر مورد خاصی باشد که ما متوجه نشده باشیم و دانشجویان مطرح کنند به طور ویژه پیگیری می‌کنیم.

آیا دانشجو معلمان بعد از فارغ التحصیلی می‌توانند ادامه تحصیل دهند؟

چون دانشجویان معلمان متعهد خدمت هستند، قوانین مربوط به ادامه تحصیل آن‌ها نیز به دستگاه مربوطه برمی‌گردد که آموزش و پرورش است. در واقع دانشگاه هیچ قانونی خاصی در این مورد وضع نمی‌کند. تا آنجایی که من اطلاع دارم شما در رشته‌های مرتبط با رشته تحصیلی کارشناسی خودتان منعی برای ادامه تحصیل ندارید. **آیا دانشجو معلمان می‌توانند در یک ترم بیش از بیست واحد درسی را بگذرانند؟ چه دانشجویانی مشمول این قانون می‌شوند؟**
آیین‌نامه‌های آموزشی این موضوع را روشن کرده‌اند. در پایان هر ترم که وضعیت نمره دانشجو معلمان مشخص می‌شود اگر معدل دانشجویی تا ۱۷ باشد می‌تواند ۲۰ واحد بردارد و اگر معدلش بالای ۱۷ باشد که به اصطلاح نمره‌ی الف می‌گویند، می‌تواند تا ۲۴ واحد انتخاب کند و منع قانونی برای این کار وجود ندارد.

چرا برای درس‌های رشته علوم تربیتی از معلمان ابتدایی با تجربه استفاده نمی‌شود؟

بنده خودم نیز دو دهه است که با معلمان و آموزش آنان سروکار دارم و این پارادوکس‌ها را دیده‌ام که مثلاً استادی دکتری فیزیک دارد اما هیچ آشنایی با ابتدایی ندارد. یک بازه زمانی بخش نامه‌ها ما را محدود می‌کردند یعنی ما نمی‌توانستیم استادی را که مدرک کمتر از دکتری داشت به کلاس درس بفرستیم و استاد باید حداقل دانشجوی دکتری میشد. در یک سال اخیر سیستم دست ما را گذاشته و به ما اجازه داده برای دروس عملی استادی با مدرک کارشناسی ارشد را هم قبول کنیم. برای ترم آینده هم در حال حاضر ۲۰ نفر که ویژگی‌های ذکر شده را دارند شناسایی کرده‌ایم که ان شاء الله از آنها استفاده خواهیم کرد. اما یک نگرانی هم برای این اساتید وجود دارد و آن هم این است که اساتید با مدرک کارشناسی ارشد نتوانند در دانشگاه کلاس‌داری کنند. به هر حال من با دانشجو معلمان در این زمینه هم عقیده هستم و به آنها این امید را می‌دهم که در سال تحصیلی آینده معلمان ابتدایی با تجربه بیشتری در روش تدریس به کار گرفته شوند.



می ریزی! محمدحسین و مرجان میشن جزئی از خونوات و پا به پاشون، پیش میری تا آرمان جذابشون.... راستی؛ دیدین به دلتون نشست؟.... نوش جان ان... سرریزم تموم شده...!

خوراکِ رمان خورها

نویسنده: **فاطمه گرمه ۹۱**
الهیات ورودی ۹۷



آدمِ بدخوری با هر سلیقه ای... حتی اونایی که از ماکارونی و قورمه سبزی هم بدشون میومده، این عاشقونه خوشمزه رو خوردن و تهشو انگشت کشیدن! همین من، با چشای خودم دیدم. میگی

کوتاه، ساده، اما... قشنگ! شاید تا حالا فکر می کردی عشق به یه سری از آدمها نمیداد. اصن مگه اوناد دل دارن؟! ولی بعد از خوردن (!) این رمان، اعتراف خواهی کرد که تا حالا عشق رو با الف

تموم برگ های گاهی این کتاب کوچولوی جیبی، فوت های کوزه گری به زندگی عاشقونه و آرومو علی رغم وجود سختیاش، یادت میدهد. از روش برگزاری جلسه خواستگاری با یک خواستگار

خانواده ها با چشم و ابرو به هم اشاره کردند که (این دونا برن توی اتاق، حرفاشون رو بزن!) با آدمی که تا دیروز مثل کاره و پنیر بودیم، حالا باید می نشستیم برای آینده مان حرف می زدیم. تا وارد شد نگاهش به سر تپای اتاقم انداخت و گفت: «چقدر آینه!» از بس خودتون رو می بینن اینقدر اعتماد به نفستون رفته بالا دیکه! از بس هول کرده بودم، فقط با ناخن هایم بازی می کردم. گفت: «از وقتی شما به دلم نشستین، بقیه خواستگاریا رو صوری می رفتن. چون اکثر دخترا از ریش بلند خوششون نمیداد، این شکلی می رفتن. اکه کسی هم پیدا میشد که خوشش میومد و می پرسید که آیا ریشاتون رو درست و مرتب می کنین، می گفتم نه همین ریختی میجر خم!».



نه?... امتحان کن. بیان خودمونی مرجان، یه کاری میکنه باهات که با خنده هاش میخندی و با گریه هاش اشک

مینوشتی... الف! جالبیش اینه که تا حالا هر

پر رو تا عشق بازی های خاص اونم از ورژن پاکش! روایتی جذاب از یک عاشقانه



نام کتاب: "قصه ی دلبری" نویسنده: "محمدعلی جعفری" شهید مدافع حرم محمدحسین محمدخانی به روایت همسر شهید





نوائی کاروان



و لِكُلِّ وَجْهٍ مِّن مَّوَلِيَّهَا فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَاتِ بِكُمْ اللّٰهُ جَمِيعًا اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (بقره ۱۴۸)

سیاهی آن به تعداد قطرات خونی است که در راه ابا عبد الله نثار شده است. صدای کاروانی به گوش می رسد که جهت حرکت آن به سمت قبله اش است، قبله ای که قبله عشاق است. صدای کاروانی به گوش می رسد که سر کاروان آن آقایی است که قرن هاست در کنسار قبله عشاق انتظار می کشد. صدای کاروانی به گوش می رسد که نسیم به وجود آمده از این کاروان خبراز قیامی می دهد، لازمه این قیام طواف قبله عشاق است.

جان خانم فاطمه زهرا جان گرفت، با صبر امام حسن تداوم یافت و با نام امام حسین در درون قلوب عاشقان اسلام نفوذ کرد. صدای کاروانی به گوش می رسد که هم رنگ خون خداست. رنگ سرخی که جوشی در وجود شیعیان امیر المومنین انداخت که تا اسلام زنده است این جوشش نیز زنده است. صدای کاروانی به گوش می رسد که

برای هر گروه قبله ای است که گرداننده روی آن گروه به آن قبله است؛ پس به جانب نیکی ها و کارهای خیر پیشی جوید، خدا همه شما را هر کجا باشید می آورد؛ مسلماً خدا به هر کاری تواناست. صدای کاروانی به گوش می رسد که شروع حرکت آن به پهنای تاریخ اسلام است. اسلامی که با نام رسولش قد علم کرد، با نام امیر المومنین شکل گرفت، با



اعمال، رفتار، گفتار، به یاد او باشی، با همه پندار و خطورات ما، قدرتش به یادت خواهد خوراک ما و... این ها بود. همه به صورت صوری در ما جمع می شود که قیامت یعنی: ملکوت صور تمام اعمال و نیات ما.

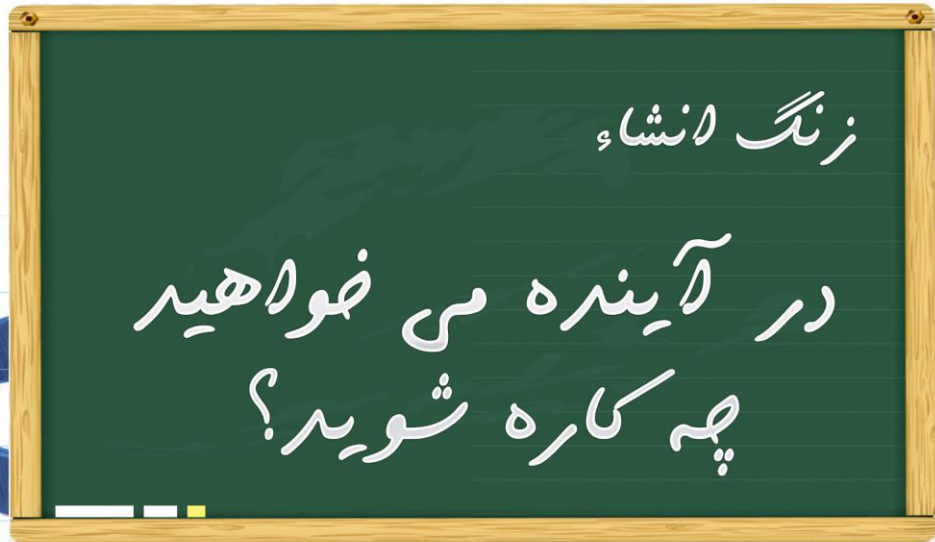
گردآورنده:
سید سجاد موسوی

* خدا اهل رفاقت است. خدا رفیق داری و جوانمندی را دوست دارد. خودت بیش از همه اهل رفاقت و مودت است. وقتی با همه ضعف



سیر عارفانه

کوزه تا وقتی هنوز از آملی می فرمایند: ترقی را برای بنده اش آب پر نشده، صدای الهی چون است که فرامی گزید، و می کند، قل قل می کند و وقتی چشیده ها خاموشند و در هر کجا و هر حال که پر از آب شد، نجشیده ها در خروش. که باشد. اما بندگان، ساکت و سنگین کسانی به امام خود را از بندگی، به می شود. انسان هایی زمانشان خواهند رسید بند هوا و هوس دچار که وجودشان خالی از که اهل سرعت باشند! و نموده و از آن مقامات معارف حقیقی است، گرنه تاریخ کربلا قربات غفلت ورزیده اند. زیاد سر و صدا نشان داده که قافله *در ملکوت عالم، می کنند، اما آن ها حسینی معطل کسی هر کس مهمان سفره که علوم حقیقی نمی ماند... (شهید خودت است، سفره علم و عمل خودت، سفره جانشان را سیراب آوینی) *خداوند تبارک و کرده، با وقار و آرام *خداوند تبارک و اند. علامه حسن زاده تعالی همیشه وسایل



من می خواهم وزیر شوم. وزیر بودن خیلی خوب است. اگر من وزیر شوم هر شب

در تلویزیون نشان می دهند و می توانند به همه سلام کنند. مادرم می گوید اگر وزیر

بخواید به شهری برود همه می آیند تا او را ببینند. من اگر وزیر شوم در سفرانی هایم

داد می زنم و به مردم می گویم که هر روز آنها را به استخر می برم. پدر می گوید ریس جمهور

می خواهد با برجام به ما گلربی و سبب بدهد اما من از منتظر ماندن خسته شده ام و اگر وزیر شوم یک باغ بزرگ سبب و

گلربی هم در تمام شهرها درست می کنم تا همه مردم سبب و گلربی بخورند. اگر من وزیر شوم همه مدرسه ها را تعطیل می

کنم تا دیگر هیچ دانش آموزی ترس از آتش گرفتن بخاری کلاس و قطع شدن انشتاش را نداشته باشد. اگر وزیر

شوم یک کامیون بزرگ می خرم و آن را پر از غذا می کنم و به همه فقیرها غذا می دهم تازه به همایه کناری مان هم دو

تا غذا می دهم چون شب ها گرسنه می خوابد و بچه هایش خیلی گریه می کنند... اما پدرم می گوید اگر این کارها را بکنم

همه به من می گویند آدم بدی هستم. او می گوید اگر من خواهم در زندگی موفق شوم باید بعد از اینکه وزیر شدم پول

های خیلی زیادی بردارم و در جیبم بگذارم یا اینکه یک چیز بزرگ و باحال مثل هواپیما یا دکل نقتی یا کشتی یا چیز

دیگری کش بروم و همیشه سعی کنم که اگر وزیر شدم به خارج بروم تا کلی به من خوش بگذرد. ما از این اث نتیجه میگیریم

که باید یک شلوار با جیبهای بزرگ بدوزیم تا بعد از وزیر شدن پول هایمان را در آنجا بریزیم و همیشه هم به حرف پدر خود

گوش کنیم و یک خر هم بخریم تا در زندگی خرمان برود.



سیاست ریاضی

بصیرت افزایی رهبر معظم انقلاب این نقشه شوم نقش بر آب شد. هر چند هر از چندگاهی این افراد با توجه به حوادث، این دوقطبی را از موزه ادبیات سیاسی کشور غار به می گیرند تا بر روی بی کفایتی های خود سربوش بگذارند و از پاسخگویی به مردم شانه خالی کنند و بخش دوم حاکمیت (بخوانید ولی فقیه) را مقصر کم کاری ها و کاهلی های خود جلوه دهند.

از معروف ترین دوقطبی های اخیر در جامعه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

موافقان و مخالفان ورود زنان به ورزشگاه، کنسرت و ضد کنسرت، تعامل با جهان و انزواگرایی، مذاکره و مخالف مذاکره، موافقین و مخالفین پیوستن به تجارت جهانی، آزادی اجتماعی و محدودیت، دوقطبی دیوار گشان و مخالفین دیوار کشی و ... تا دلتان بخواهد از این دست دوقطبی ها را می توان نام برد که هدف اصلی آنها فراقتنی از اوضاع اصلی جامعه و فراموشی دوقطبی های حقیقی مثل حق و باطل، ظالم و مظلوم، استبداد ستیزی و وادادگی سیاسی است.

امثال دوقطبی های فوق در تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی بسیار است اما اصلی ترین زمینه ای که جناح های سیاسی از دوقطبی استفاده می کنند انتخابات است. نامزد های انتخاباتی که از دوقطبی بهره گیری می کنند دو هدف اصلی را دنبال می کنند: اولاً جمع آوری رای حداکثری و جلب توجه قشر خاکستری جامعه از طریق قرار دادن خود در بخش محبوب دوقطبی، دوماً تخریب چهره ی نامزد رقیب با استفاده از قرار دادن او در قطب منفور دوقطبی ساخته شده. در این سبک از دوقطبی به موضوعی حاشیه ای و بعضاً دروغ ضریب توجه داده می شود و از این طریق تمام مسائل اصلی و یا وعده ها و کلبه های انتخاباتی نامزد ها فراموش می شود و دیگر، ملاک انتخاب افراد صلاحیت کاندیداها نخواهد بود بلکه حب و بغضی که از طریق دوقطبی در دل های افراد ایجاد شده است، ملاک انتخاب می شود از این طریق نامزد ضعیف و ناکارآمد اما باهوش بیروز میدان می شود. آنچه تا به اینجا عنوان شد پیشینه ای خرد از دوقطبی و دوقطبی سازی در تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی بود، حال با توجه به انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی، نمایندگان و کاندیداها دست به ساخت چه دوقطبی هایی می زنند و چه مسائلی را دست مایه سخنرانی های خود خواهند کرد:

۱. دوقطبی حجاب که هدف مطلوبش اجرای مدل فرهنگی غرب است که آزادی را در تعریف استقلال شخصی در جامعه تعریف می کند، طرفداران و



دشمنی و در یک حال شکننده رودرروی هم قرار گیرند، به شکلی که فقط صدای دو قطب در کشور شنیده شود. دوقطبی سازی در زمینه سیاست کاربردهای زیاد و متفاوتی دارد که در ادامه به برخی از دوقطبی های تاریخ سیاسی کشور اشاره می کنیم:

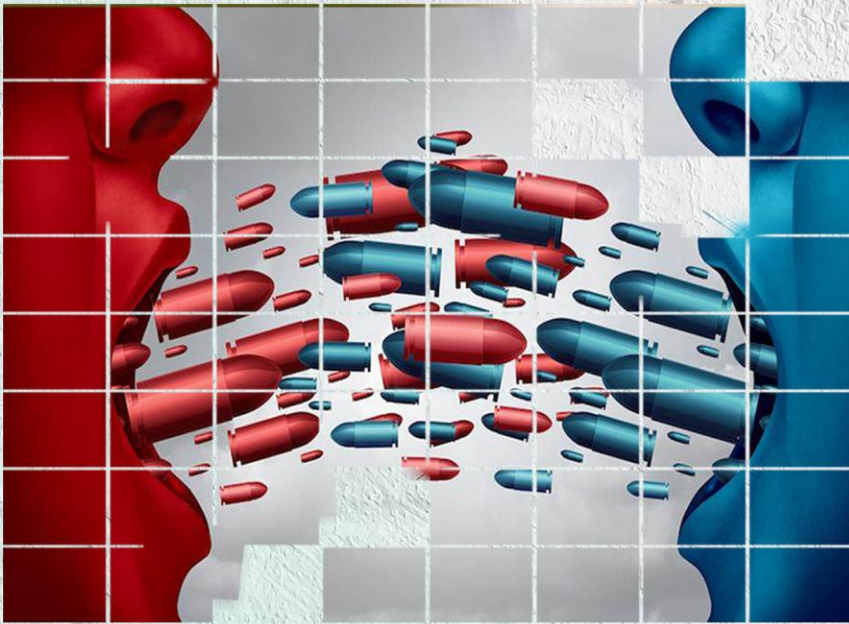
۱. دوقطبی گاهی در زمینه سیاست های منطقه ای و خارجی کشور است که در مقابل گروه دلواپسان و گروه اهل تعامل با دنیا رخ می نمایند، به عبارتی صریح تر دوقطبی برجامیان و ضدبرجامیان، این دوقطبی آتقدر در جامعه پیشرفت می کند که اجازه حضور گروه سوم به منظور نقد و بررسی را نمیدهد و بدون استثنا اگر موافق باشید حامی برجام شناخته می شوید و اگر نقادی بر آن داشته باشید قطعاً مخالف آن هستید. از این طریق سخنان منتقدین از قالب نقد خارج شده و سعی می شود از وجاهت علمی و ضریب توجه آن کاسته شود.

۲. گاهی دوقطبی سازان پا را فراتر می گذارند و در جایگاه و نقش ولی فقیه دست به دامان دوقطبی با عنوان حاکمیت دوگانه می شوند، دوقطبی سخیف و کاذبی که توسط تئوریسینی به نام س. ح مطرح گردید، این دوقطبی نظام کشور را به دو بخش انتخابی توسط مردم و انتصابی توسط حاکمیت تقسیم می کند و مدعی حاکمیتی دو گانه در ساختار نظام جمهوری اسلامی می شود. یکی از اهداف این دوقطبی تضعیف جایگاه ولی فقیه در جامعه است و از طرفی سعی بر آن می شود تا مشروعیتی مردم نهاد و ابدی برای طراحان این دوقطبی و جناح سیاسی ایشان تضمین شود

نفاق، سلاحی برنده و کارآمد در حوزه های دینی، مذهبی و خصوصاً سیاسی است؛ باطل هرگاه در مقابل حق به زانو در آمده است دست به دامان حربه خطرناک نفاق شده است. نفاق ذهن ها را از دشمنان حقیقی و خارجی حق به درون معطوف می کند، به عبارتی نفاق سعی دارد بواسطه مرزبندی های کاذبی که در بین جبهه حق ایجاد می کند آنها را سردرگم کرده و این مرزبندی ساختگی را جانشین مرزبندی حقیقی حق و باطل گرداند. به عنوان مصداق می توان به جنگ صفین اشاره کرد. درست در زمانی که تیغ اسلام به گلوئی کفر رسیده بود شخصی منافق و زیرک مثل عمرو عاص دست به کاشتن بذر نفاق در میان مسلمین می زند و متأسفانه محصول آن را نیز با آبیاری بی خردان سپاه علی (ع) برداشت می کند؛ او راه پیروزی خود را در ایجاد دوقطبی حکم الله و حکم غیرالله دید و به همین راحتی سپاه اسلام را به دو شقه کرد و به قول مختار ((و چه خون دلها خورد علی از دست این جماعت سر به سجود آیه خون و اما بی خرد ...))

اسلام و کشور عزیزمان ایران امروز نیز شاهد این دست نفاق و تفرقه افکنی در جامعه است اما به شکل امروزی و در قالب های جدیدی، قالبی به اسم دوقطبی؛ دوقطبی یا به عبارتی دوقطبی سازی یعنی افراد جامعه در حد

دوقطبی



خالی کنند. این افراد در زمانی که قدرت سیاسی کشور در اختیارشان قرار دارد سعی می کنند تا با تمسک به اصل ۴۴ قانون اساسی و مسئله خصوصی سازی سرمایه های دولت و مردم را با مبالغ مضحک و بسیار ناچیز (مثال: واگذاری کارخانه هفت تبه) افراد خاص و اگذار نمایند تا در زمان دوری از قدرت انحصار سرمایه های کشور را در اختیار داشته باشند؛ برای نمونه می توان به واگذاری های چند سال اخیر کارخانه هایی مثل هفت تبه خوزستان و هیگو اراک و همچنین رئیس سابق سازمان خصوصی سازی اشاره کرد که مصداق بارز این جریان هستند. با توجه به موارد فوق کارگران و معیشت قشر کارگر از مسائلی هستند که قطعاً در سخنرانی کاندیدا های مجلس شورای اسلامی دیده خواهد شد و باید با دقت بررسی شود که هر یک از نماینده ها به چه شکل با این دوقطبی برخورد می کنند تا با خیر شویم از سر درون ...

دیوار دوقطبی (و یا شاید دوقطبی دیوار) همواره مانع تشخیص دقیق مسائل سیاسی توسط قشر خاکستری در جامعه شده است اما با توجه به روند رو به رشد بصیرت سیاسی جامعه ایران روزی می رسد که بساط دوقطبی سازان و فرافکنان از صحنه سیاست ایران جمع خواهد شد و هرکس مسئول وعده ها و اعمال خود خواهد بود.

سازندگان این دوقطبی با وعده های انتخاباتی که اساسی آزادی و کاهش محدودیت در حوزه حجاب و زنان است، یا به عرصه انتخابات می گذارند و از این طریق خواسته های اصلی زنان و دختران جامعه را کمرنگ کرده و با دامن زدن به مسائلی کم اهمیت اما هیجانی خود را داعی حقوق زنان در جامعه معرفی می کنند که نمونه اش در موضوع ورود زنان به ورزشگاه ها و حادثه غم انگیز دختر آبی به وضوح مشاهده شد، در این حادثه تلخ نماینده ای با زدن توئیت های متعدد و پیام های متنی مختلف سعی داشت خود را حامی زنان جلوه دهد و حتی بعضاً چه سوهی و چه عمدی مرتکب نشر اکاذیب هم شد اما همین شخص سابقه درخشانی در حمایت واقعی از حقوق زنان در مجلس از وی یافت نمی شود.

۲. دو قطبی اشباع فساد سیستمی در کشور که هدف اصلی آن تغییر نظام به جای اصلاح ساختار است، این دسته از دوقطبی سازان در حال تلاش هستند تا فساد سیستمی را به مردم القا کنند به عبارتی آنها با این اقدام سعی دارند فساد در کشور را فراگیر جلوه دهند تا از این طریق پایه های نظام را سست کرده و مردم را به ستوه آورند. نکته جالب این جریان آنجاست که غالب این افراد در مرکز این مفاسد قرار داشته اند و سعی دارند با این فرافکنی انگشت اتهام را به سمت کلیت نظام ببرند که با اقدام به موقع مقام معظم رهبری در انتخاب رئیس جدید قوه قضائیه معادلات به ضرر این افراد بازگشت. با حضور رئیس جدید قوه قضائیه تحولات جدیدی در دستگاه قضا صورت گرفت و این تحولات به سرعت توسط مردم احساس شد، از این زمان بود که بر همگان ثابت گشت که دستگاه قضا و ساختار آن دچار اختلال بوده است نه آنکه کل نظام دچار فساد سیستمی شده باشد.

۳. یکی از اصلی ترین و مهمترین مسائلی که نامزد های انتخاباتی در انتخابات پیش رو به آن اشاره خواهند کرد؛ دوقطبی احقاق حقوق کارگران است که هدف مطلوب آن تضعیف حاکمیت و سیاست های کلی نظام در برابر عدالت شغلی است. طراحان این دوقطبی تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا ضعف، بی عرضگی و گاهلی خود در زمینه عدالت شغلی، حقوق کارگران، بیکاری جوانان و به طور کلی معیشت قشر متوسط جامعه را به سیاست های کلی نظام در حوزه سیاست خارجه (بخوانید استکبار ستیزی ایران و روحیه ضدگدخدا نوکری) و تحریم ها گره بزنند و از این طریق از زیر بار فشار افکار عمومی که علت شکل گیری وضع امروز کشور را سیاست های سرمایه داری و لیبرالیسم دولت ها می دانند شانه



جدید الورودی ها

تصمیم گرفت که جلسه نخست را تدریس نکرده و با ایشان به سخن بنشیند. در این میان جوانکی از نه کلاس فریاد بر آورد که: ای حکیم! مرا اندرزی ده. حکیم دست بر ریش خود کشید و گفت: امروزت را دریاب که فرجه بسی دیر است. در ضمن رزرو غذا را از یاد مبر. دیگری پرسید: حکیم در امتحانات، دانشجو را تقلب همی توان کرد؟ حکیمش جواب بداد: چه می گویی ای خجل؟! آموزش ما عقاب هایی تیزبین را به خدمت دارد که پنج دقیقه قبل از قصد تقلب شکارت می کنند! این می گفت و بر روی تخته چنین می نوشت: یادتان باشد برای شروع لازم نیست عالی باشی، اما برای عالی شدن باید شروع کنی...



بدانید این چهار سال همچو باد می گذرد و در چشم بر هم زدنی، فارغ التحصیلی خودتان را پیش رویتان می بیند. مبادا به گونه ای این چهار سال را بگذرانید که پس از اتمام آن، افسوس گذران بی نتیجه این دوره حساس و تکرار نشدنی از زندگی گریبان گیرتان شود. مستفید شدن حداکثری از اوقات فراغت در خوابگاه دانشجویی و همچنین فراگیری مهارت های مختلف در این دوران بسی لازم و ضروری است.

✽ مبادا آوای رؤیا های آرمانی تان را با بانگ منحوسشان که " نمی شود " " نمی توانی " ... خفه کنند. به دانش آموزان فکر کنید! به همه آن طفل معصومانی که روزی چشم امیدشان به تو و تلاش هایت خواهد بود و بدانید اگر خاموش نشوید، می توانید. در این میان اگر غم و نا امیدی سرک کشید، یادمان نرود که هیچ غم و اندوهی در عالم وجود ندارد بلکه این ضعف و البته انتخاب خود ماست که رخ داده ها را رنج آور نشانمان می دهد؛ " ما رأیت إلا جمیلاً". به همین مقدار بسنده می کنم. به قول بزرگ علوی " بعضی چیز ها را نمی شود گفت! بعضی چیز ها را احساس می کنید". اما دلم نمی آید که نوشته را اینطور به پایان ببرم... حکایتی شیرین، تقدیم اندیشه سبزان: و اما دانشجویان جدیدالورود اندر کلاس همی بودند که ناگاه حکیم بر آنان وارد گشتی و نیز همگان به احترام برخاستند. حکیم مریدان خویش را درود بسیار فرستاد و با آنان سخن نیکو فراوان گفت و

و اما نو دانشجویان گراقتدر در گذر ایام، پس از پشت سر نهادن دوازده خان تحصیلی، سرانجام با هیولایی به نام کنکور سرشاخ شدند و به قدر وسعشان شاخش را شکستند. هیولایی که هیمنه اش استرس شدیدی را در دل و جان خانواده های ایرانی می اندازد. بگذریم... فرصت را غنیمت می شمارم، چند پند گرانبها به عنوان پیشکشی به یمن ورود جدید الورود ها به ایشان عرضه داشته، باشد که که از آن متنعم گردند:

✽ حقیقت ماجرا این است که داستانی بدیع و نو در دفتر زندگیتان آغاز شده و جالب اینکه این خود شما هستید که سرنوشت و پایان این داستان را رقم خواهید زد. داستان هر کدام از ما هر چه باشد، چه شب زنده داری ها، چه به جان خریدن نگاه ناباور اطرافیان، چه تحمل سختی دوری از یار و دیار و... سر فصل جدیدی است که هزار راه جدید می گشاید.

✽ آگاه باشید صرف ورود به دانشگاه باعث تعالی شما نمی شود. دانشگاه همچون نردبان است و شما اکنون در کنار این نردبان ایستاده اید و طبیعتاً تا از پله های این نردبان بالا نروید، عالم نمی شوید و البته درس خواندن تنها یکی از پله های این نردبان است نه تمام آن. در دانشگاه باید زندگی کردن را آموخت، سعی و تلاش را فرا گرفت، شکست خورده و دوباره باز ایستاد.

رانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی





دانشگاه فرهنگیان

از خودش می گوید...

میشن. اما در کل خوبی هایی هم دارم، مثلاً این که پسرانم رو از خدمت سربازی معاف می کنم. هم دخترانم و هم پسرانم بعد از چهار سال استخدام رسمی میشن و بیست و یک سالگی هم کار نمی موندن. فارغ از همه گیم و کاستی ها اینو بدویند که هدف اصلی و برتر من تحویل دادن معلوم های نمونه به جامعه است.

با سلام دانشگاه هستیم، اسمم فرهنگیان. گاهی فرهنگ هم صدام می زنن. ۸ ساله. راستش رو بخواین وضع مالی خوبی ندارم. به دانشجویام ماهی یک و نیم میلیون کمک هزینه درسی میدم اما نصفش رو به خاطر استفاده و همچنین افزایش امکانات رفاهی از شون پس می گیرم. اما جالب اینجاست که کاری هم برایشون انجام نمیدم. نه فضاشون رو بزرگتر می کنم نه غذاهاشون رو بهبود می بخشم. هر از گاهی دست و بالم خالی میشه و هر ماه ندارم که حقوق دانشجویام رو بدم و دانشجویام خیلی از دستم ناراحت میشن. اما بعد از چند ماه معوقاتشون رو برایشون واریز می کنم. راستش می خوام با شما درد دل کنم. از بس که دانشجویام به من میکن مدرسه، از چهره و قیافه خودم خوشم نیامد. من اصلاً چهره ام شبیه دانشگاه نیست. هیچ کسی به من رسیدگی نمیکنه. از این وضعیت دیگه خسته شدم. به قیافه بقیه دانشگاه ها حسودیم میشه. اما خوب فوقش دانشجویام، چهار سال قیافه من رو تحمل می کنن و از دستم خلاص





فَضْلانورد مجازی



نام: کاربر نام خانوادگی: مجازی شماره شناسنامه: رمز وای فای محل استقرار فرد * شغل: نت گردی
تحصیلات: همه مقاطع تحصیلی لقب: فضانورد مجازی سن: محدودیت سنی ندارد ساعت کاری: هر ساعتی از
شبانه روز میزان دسترسی به داده: در صورت به همراه داشتن فیلتر شکن، به هر میزان که فکرش را بکنید.



هم از لحاظ فیزیکی و جسمانی و روحی و روانی و از نظر علمی توانمند باشد. نقش یک فضانورد مجازی ممکن است هر چند دقیقه تغییر کند. او یک آن قاضی می شود، یک آن متخصص قلب، یک آن دکتر روانشناس، یک آن تحلیلگر سیاسی، یک آن متخصص تغذیه و یک آن فیلسوف و تاریخ دان می شود. خلاصه فضانورد مجازی همه فن حریف است؛ که البته به نظر من قضاوت مهم ترین و اصلی ترین کار این فرد است. یکی از توانمندی های دیگر فضانورد مجازی این است که می تواند زبان گفتار را به همان شکل به نوشتار تبدیل کند و معنا را کماکان حفظ نماید. فضانورد مجازی باید از نظر عاطفی و بیان احساسات هم بسیار قوی باشد تا بتواند عمق احساس خود را تنها با ارسال یک استیکر به طرف مقابل برساند که صد البته کار بسیار سختی است. فضانورد مجازی باید توجه داشته باشد که به علت وجود نوعی اتمسفر خاص در فضای مجازی گرفتار توهم نشود که البته با وجود تذکرات بسیار، اکثر فضانوردان مجازی خواسته یا ناخواسته دچار آن می شوند؛ توهمی که برخی از فضانوردان مجازی دچار آن می شوند انواع مختلفی دارد؛ توهم دانایی، توهم زیبایی، توهم مهم بودن، توهم جذابیت و کلی توهمات دیگر... گونه ای از فضانوردان مجازی تسلط بسیار زیادی به اصول ارتباطات دارند و می توانند از خطوط شبکه خود خارج شوند و به آن سوی مرزها متصل

شده و ارتباط خود را به شکل موثری و در هر شرایطی حفظ کنند. یکی از شرایط بدی که فضانوردان مجازی با آنها دست و پنجه نرم میکنند، وضعیت نابسامان نت می باشد که در هر لحظه نوسان دارد و قطع و وصل می شود و روی سیستم عصبی فضانورد تأثیر منفی می گذارد و خویشتن داری در این وضعیت کار بست بس دشوار. محققان ثابت کرده اند که اگر نور مغزی از فضانوردان مجازی در حین کار تهیه شود می توان مطابق آن نوسانات وضعیت نت منطقه را تخمین زد.

در پایان اصولاً فضانورد مجازی باید یک سوپر من باشد، باید متخصص به کار خویش و دانا نسبت به فضای اطراف خود و قوی نسبت به تهاجمات موجود در این فضا باشد. خلاصه او یک قهرمان است یک قهرمان مجازی.

این فرد که فضانورد مجازی خطابش می کنند، اصولاً آدم سر به زیری است کمتر در میان جمع سرش را بالا می گیرد و بسیار پرتلاش است. شغل او ساعت نمی شناسد و در هر زمان از شبانه روز مشغول کار است و از بس کار می کند حتی فرصت آب خوردن، غذا خوردن، نفس کشیدن و... را هم ندارد. الحق و الانصاف که باید به این شغل سختی کار تعلق بگیرد. (قابل توجه مسئولین عزیز) کار این افراد با حداقل امکانات (فقط یک گوشی موبایل یا تبلت) و در سخت ترین شرایط (گاهی زیر نور آفتاب گاهی به صورت ایستاده حتی در حال راه رفتن) و بدون هیچگونه حقوق و مزایایی صورت می گیرد. این شغل افرادی با توانایی بالا را می طلبد چرا که فضانورد مجازی باید بتواند همزمان چند کانال یا گروه را چک کند و با چند نفر همزمان چت کند در زمان فضانوردی آن هم از نوع مجازی باید از لحاظ جسمانی و فیزیکی هم توانمند باشد چرا که باید مدتها گوشی موبایل یا تبلت خود را در زاویه ۹۰ درجه یا زاویه حاده مقابل صورت خود نگه دارد که این کار در دراز مدت نیرو و توان بالایی از ماهیچه های دست می طلبد. یکی از توانایی هایی که فضانوردان مجازی دارا هستند، توانایی کنترل سریع تک تک انگشتان دست است که باید بتوانند در ظرف کمتر از چند ثانیه یک متن چند صفحه ای را تایپ کند که این شغل مجموعه ای از حرفه های گوناگون را در بر می گیرد و فضانورد مجازی باید



ویژگی

قرن ۲۱



در قرن ۲۱ برای رسیدن به تعالی همه جانبه و متناسب با نیاز های روز در عرصه تعلیم و تربیت به تفکرات جدید، روشهای آموزشی متنوع، رویکردهای آموزشی نو و دیدگاهی متفاوت نسبت به علم و فرهنگ نیاز داریم. ذکر ویژگی های معلمین در قرن ۲۱ به منزله ی این نیست که تاکنون معلمین دارای این ویژگی ها نبوده اند؛ ولی از آن جایی که قرن ۲۱، قرن اطلاعات، ابتکار، مهارت و سرعت می باشد بنابراین ویژگی های معلم در این قرن باید افزون تر از قبل شود. آموزش دادن به جوانان یک کار حرفه ای و در عین حال چالش برانگیز است و یک معلم برای اینکه در کارش تأثیر گذار باشد به مهارت هایی همراه با دانش و تجربه نیاز دارد که در ادامه به برخی از این ویژگی ها می پردازیم:

۱. **صبور باشید:** مهم ترین و ضروری ترین مهارت، داشتن صبر و حوصله است. به خصوص در برخورد با دانش آموزانی که خوشمزه هستند، اگر صبور نباشید مسئله آموزش به سختی می گذرد.

۲. **مقتدر باشید:** در ابتدای کلاس از دانش آموزان سوال هایی بپرسید و آنها را به چالش بکشانید. با این کار متوجه می شوند کسی که در مقابل آنان قرار دارد، بیشتر از آنان می داند.

۳. **جلب مشارکت کنید:** بچه ها را در اداره کلاس با دادن مسئولیت های متناسب با سن و علاقه شان سهم کنید تا رغبتشان به کلاس و بحث بیشتر شود.

۴. **عادل باشید:** معلم عادل دانش آموزان را به طور یکسان در موقعیت یکسان در نظر می گیرد.

۵. **اهل عمل باشید:** حتما به حرفی که می زنید عمل کنید وگرنه دانش آموزان اعتمادشان را نسبت به شما از دست می دهند.

۶. **مواظب رفتارتان باشید:** در صحبت کردن با دانش آموزان از اصطلاحات منفی و نا امید کننده استفاده نکنید و از تمسخر آنان پرهیزید.

۷. **قاطع رفتار کنید:** صمیمی ولی قاطع رفتار کنید این نوع رفتار به خصوص در روز های اول تدریس اهمیت زیادی دارد.

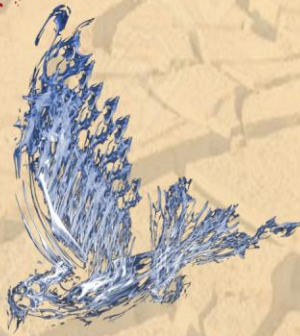
۸. **انتظارات بزرگ داشته باشید:** شما باید طوری رفتار کنید تا متقاعد شوید که دانش آموزان شما می توانند تا سطح انتظارات شما ارتقاء یابند بنابراین شما به آنها اعتماد به نفس می بخشید



شیطان پرستی

در این چند خط به صورت خلاصه با پدیده ای مدرن و در عین حال دیرینه آشنا می شویم که به شیوه های مختلف در بین جوانان دنیا طرفدارانی پیدا کرده است این پدیده یا بهتر بگوییم مذهب بی مذهبی از زمان خلقت آدم ابوالبشر همراه با پرستش خدای یکتا آغاز شده و همواره به ستیز با خدا پرستان کمر بسته بوده است. این افراد که ما آنها را شیطان پرست می خوانیم در دوره های زمانی مختلف دارای اعتقادات یکسان و رسم و رسوم شبیه یکدیگر بوده اند که در ذیل به بعضی از اعتقادات و رسومات باطل و تعجب آور و تا حدی مضحک آنان می پردازیم. اینها که در بعضی از مقالات موسوم به فراماسونرها هستند، اعتقاداتی دارند که مهم ترین آن خودپرستی و خود بزرگ بینی است و این اعتقاد شامل آن است که جهان هستی متعلق به پیروان شیطان است و ایشان بهترین مردم در جهان هستند و به همین واسطه یک فراماسونر تلاش می کند تا همه کسانی را که با او هم عقیده نیستند را مثل خود کند و اگر کسی با او همراه نشد و مخالفت کرد، محکوم به مرگ است.

البته این اعتقاد در بین وهابی ها و دیگر منحرفان نیز مشهود است. اعتقاد دیگری که قابل بیان است اینکه آنان شیطان را یک موجود زنده با برخی وجوه انسانی می دانند. شیطان پرستان دارای رسوم رقت انگیزی مثل تغییر های مهلک و ترسناک جسم خود و انجام عمل باروری در فضاهای باز و به گونه ای بی مهابا و بدون در نظر گرفتن همسری و به دور از اندیشه و غیرت و



انسانیت دیگری هستند. در پایان این چند خط باید خدمتان عرض کنم که این تفکر همراه با جذب جوانان به وسیله شهوات و لذت گرایی توانسته جوانان کشورهای مختلف جهان و حتی ایران را در دام های پلید خود گرفتار کند، تنها راه برخورد با این گونه اعتقادات انحرافی مطالعه،

شناختن خود و خداوند، کسب اطلاعات و پذیرش قلبی دین اسلام است. امام علی(ع):ایمان بنده راست نگردد تا آنکه دلش راست گردد.



دانش‌های جالب درباره بدن انسان



سرعت انتقال پیام از مغز به اعضای بدن حدود ۴۰۰ کیلومتر بر ساعت است.

خون در طی زمان شبانه روز مسافتی حدود ۱۹۳۱۲ کیلومتر را طی می‌کند.

سلول‌های چشائی موجود در زبان پسرها کمتر از دخترهاست.

انسان‌ها بطور متوسط ۳۵ تن غذا در طول دوران زندگی خود می‌خورند.

هر سانتی متر مربع از پوست انسان شامل یک هزار حسگر درد است.

هر فرد بطور میانگین در طول زندگی خود ۵سال را به پلک زدن سپری می‌کند.

هر چه IQ بیشتری داشته باشید بیشتر خواب می‌بینید.

همانطور که اثر انگشت هیچ دو نفری شبیه به هم نیست، خطوط روی زبان تمام افراد نیز متفاوتند

برخلاف تصور ما فقط ۴ گروه خونی وجود ندارد، در واقع ۲۹ گروه خونی در انسان‌ها وجود دارد که نادرترین آنها «Bombay» نام دارد که در برخی از خانواده‌های ژاپنی دیده می‌شود.

یک تار مو قدرت تحمل وزن یک سیب را دارد (میان دانشمندان صحبتی درباره اندازه سیب نشده است)

همه کودکان هنگام تولد نابینا هستند و فقط رنگ سفید و سیاه را می‌بینند.

هرگز نمی‌توانید خود را غلغلک بدهید.

بدن به قدری آهن دارد که می‌تواند یک میخ ۳ اینچی را تولید کند.

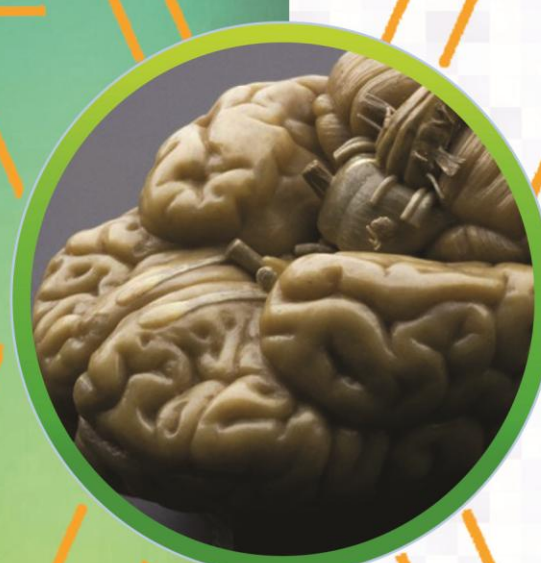
زمانی که می‌ترسید جرم گوش بیشتری تولید می‌کنید.

گرمای بدنی که در نیم ساعت تولید می‌کنید برای جوشاندن نصف گالن آب کافی است.

انسان هر ۲۷ روز کامل پوست می‌اندازد

لب‌ها بخاطر وجود تعداد زیادی مویرگ در زیر پوست رنگی مایل به قرمز دارند.

میزان میکروب‌های موجود در دهان هر فرد با تعداد افراد کل زمین برابری می‌کند حتی ممکن است بیشتر باشد.



گام نهادن در عرصه بی بدیل دانشگاه فرهنگیان، به عنوان کانون و سرچشمه نوآوری و موتور پیشرفت ایران اسلامی، رویدادی بی نظیر در زندگی شما دانشجو معلمان جدیدالورود خواهد بود. اهمیت دانشگاه فرهنگیان به عنوان هسته مرکزی تعلیم و تربیت کشور، بر کسی پوشیده نیست و قطعاً دانشجو معلمان، به عنوان جلوداران عرصه تعلیم و تربیت، رهنوردان از مرزهای دانش و دستیابی به ناپیداها و نادانسته هاینده. بر خودمان بیاییم و بکوشیم بار این مسئولیت سنگین را با همکاری هم به سر چشمان فرزندان ایران اسلامی به مجاهدت علمی ما در این مکان مقدس می باشد...

به حریم دانش اندوزی و مهرورزی دانشگاه فرهنگیان خوش آمدید.

از طرف همکاران شما در
نشریه دانشجویی صریح

